

۲۰۱۳۸۷۴

السلامة

نقش امامت در خاتمیت

مؤلف :

مرضیه ضیائی جزی

سرشناسه	: ضیائی جزى، مرضیه، ۱۳۶۲-
عنوان و نام پدیدآور	: نقش امامت در خاتمیت/ مولف مرضیه ضیائی جزى.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات راه دکتري: سنجش و دانش، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهري	: ۲۰۹ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۵-۶۸۹-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۹۹-۲۰۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- خاتمیت
موضوع	: Muhammad, Prophet -- *Finality of prophethood
موضوع	: امامت
موضوع	: Imamate
رده بندی کتبه	: ۱۳۹۷۷/۲/۲۲۱BP
رده بندی دیوین	: ۴۳/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۳۱ ۱۱۳

عنوان: نقش امامت در خاتمیت
مولف: مرضیه ضیائی جزى
ناشر: انتشارات راه دکتري: سنجش و دانش
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۷
صفحه آرایى: مهتاب دوستى
طراح جلد: مهتاب دوستى
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
قیمت: ۱۸۰.۰۰۰ ریال

کليه حقوق مادى و معنوى براى مولف محفوظ مى باشد

www.rezomephd.ir

www.sanjesh.ir



بدیهی است جهان هستی از موجودات گوناگون و بی شماری تشکیل یافته است. پژوهش درباره خواص و آثار هر دسته از آنها علم خاصی را پدید آورده است. در این میان یک سلسله مسائل بنیادین هست که همواره برای انسان وجود داشته است و دارد. فطرت او تشنه پاسخ دادن صحیح و قانع کننده به آنها است. چون موضوع این مسائل خارج از قلمرو حس و تجربه نمی توان حل آن را از علوم تجربی انتظار داشت؛ بلکه تنها کلید حل آنها عقل و خرد است. اتفاقاً در این مسائل است که اساسی ترین نقش را در معنا دار کردن زندگی ایفا می کند. به سیر حرکت اختیاری انسان جهت مطلوب می بخشد. مسکوت گذاشتن این مسائل علاوه بر رنج و اضطراب و دغدغه، آدمی را از رسیدن به سعادت که هدف اصلی آفرینش است محروم می کند. موجودات جهان در اثر نیروی شگفت انگیزی که درونشان وجود دارد به سوی مقصد اصلی خود در حرکت هستند. این حرکت بر اساس اصول و قوانین خاصی صورت می گیرد. از این اصل به عمل هدایت عامه تعبیر می شود. هدایت لازمه جهان بینی توحیدی است؛ عقل، بعد از شناخت خدا حکم می کند که خدا رب العالمین است. هیچ ربی جز او نیست. او مدبر همه موجودات است. هیچ کس جز خدا، عهده دار تدبیر موجودات نیست. انسان از موجوداتی است که تحت تدبیر خدا است. انسان نیازمند کسی است که تدبیر امور او را در دست گیرد. تدبیر هر موجودی به حسب نوع موجودیت او تحقق می یابد. به گونه ای که موجودی که زندگی او بر اساس تسکین و اختیار اوست باید از طریق معرفت و تزکیه تدبیر شود. از این رو انسان باید مدبری داشته باشد که به وی شناخت ارزانی دارد و او را تزکیه کند. خداوند هر چیز را به سوی خلقتش هدایت می کند. آن چه را که لازمه آفرینش اوست را اعطا می کند. آن چه را که برای بقای زندگی به آن نیاز دارد در اختیار او قرار می دهد. «ربنا الذی اعطی کل شیء خلقه ثم هدی» «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی آنچه را که لازمه آفرینش او بوده است را اعطا کرده است سپس

هدایت کرده است» انسان هم از این هدایت عامه برخوردار است که به آن هدایت تکوینی می گویند. منتها در انسان از طریق فطرت و عقل است. در حیوان از طریق غریزه است. انسان موجودی مختار است. راه خودش را انتخاب می کند. انسان خلیفه خدا است. اقتضاء خلقت آن است که انسان شبیه خدا شود. متخلق به اخلاق الهی گردد. پس علاوه بر هدایت تکوینی، نیاز به هدایت تشریعی که انزال کتب و ارسال رسل است. بعثت در همه زمان ها تداوم و استمرار داشت. نبوت از حضرت آدم آغاز شد و سلسله انبیا یکی پس از دیگری آمدند تا بر پیامبر ختم گ دید آخرین کتاب الهی، قرآن مجید است که جامع، جهانی، مصون از تحریف، فطری، معجز و کتب دیگر و پاسخ گوی نیازهای بشر تا قیامت است. نبی برای اثبات مدعای خود نیاز به دلیلی و معجزه دارد. معجزه پیامبر، قرآن که وحی الهی است، است.

پیامبر اسلام در شان رهبران با مشکلات بسیار مانند سفر، جنگ و ... مواجه بودند. از طرفی قرآن شامل کلیات بود. پیامبر فرصت بیان دین را نداشتند، پس باید بعد از رحلت پیامبر، افرادی حضور داشته باشند تا حرثیات دین را برای مردم بیان کنند که در فرهنگ شیعی به آنها امام گفته می شوند. امام باید در هر زمانی وجود داشته باشد زیرا دین اسلام، دین جاودانه است و امام باید حافظ آن باشد. هم‌سین، امام، واسطه فیض است. فیض از طریق ایشان به موجودات می رسد. البته لازم به ذکر است، غیبت امام زمان (عج) منافاتی با این که در هر عصری نیاز به امام است ندارد؛ زیرا شان امام مرجعیت دینی و مرجعیت سیاسی نیست که نیاز به حضور امام دارد، بلکه شان ایشان واسطه فیض دادن و ولایت داشتن است که با غیبت منافات ندارد. نیازی به وجود امام دارد. وجود غیر از حضور است. غیبت امام دارای عللی است. بر وجود امام فوایدی متردد است. امام همان شئون پیامبر اسلام (ص) به غیر از دریافت و ابلاغ وحی دارد؛ یعنی ایشان مانند پیامبر باید مردم را به دین اسلام دعوت کند. به تبیین و تفسیر قرآن پردازد به سوالات مردم پاسخ دهد. دارای مرجعیت دینی

باشد . همچنین برای اجرا شدن دین ، نیاز به تشکیل حکومت دارد تا به نظم اجتماعی و رفع اختلافات و قضاوت و ... بپردازند.

امام باید همان ویژگی های را که پیامبر اسلام دارا هستند مانند انسان کامل بودن، منصوص بودن از طرف خدا، علم، عصمت و ... را دارا باشد تا بتواند از دین خاتم دفاع و حفاظت کند .

نقش امامت در خاتمیت و رجوع نیاز به امام در دریافت وحی نیست؛ زیرا دریافت وحی سالبه به انتفاء موضوع است ؛ زیرا وحی پیامبر اسلام (ص)، وحی و قانونی جامع در شئون فردی و اجتماعی و ... به دور از تحریف، فطری، کارآمد و پاسخگوی نیاز های بشر و ... است، پس نیاز به وحی نیست. اگر وحی جدید بیاید دلالت بر تحصیل حاصل دارد که محال است یا دلالت بر نقصان دین اسلام دارد که با دلایل عقلی و نقلی منافات دارد. پس رجوع به معصوم در مورد فهم، مسیر، تبیین، پاسخگویی به شبهات، حفاظت دین و مرجعیت دینی است. در اینجا سوال مطرح می گردد که آیا امکان فهم قرآن برای غیر معصوم وجود دارد یا نه؟ در پاسخ باید ادله کسانی که قائل به امتناع فهم قرآن هستند را با ادله کسانی که قائل به امکان فهم قرآن هستند را مقایسه کرد. در نهایت پاسخ داد که غیر معصوم هم امکان فهم و تفسیر قرآن را دارد، اما برای فهم عمیق و به هم بخاطر، متشابهات، مطلق و مقید، عام و خاص و ... نیازمند به معصوم است. فهم غیرل معصوم منافات با فهم معصوم ندارد، بلکه در طول هم است. فهم قرآن زمانی کامل تر است که در کنار معصوم باشد. قرآن که قانون الهی است تنها نیاز به تفسیر ندارد، بلکه باید قوانین و احکام آن در جامعه اسلامی اجرا شود. برای اجرای آن نیاز به امام است؛ زیرا ایشان عالم به قوانین هستند، همچنین نیاز به حکومت است تا در سایه آن به تحقق احکام شرع بپردازد.

به حل اختلاف هابپردازد. به انتظام بخشیدن به امور مسلمین بر وفق حکمت الهی جهت تامین مصالح دنیوی و اخروی از طریق تصرف در جمیع امور دینی و دنیوی پردازد. پس یکی از شئون امام و نیاز به امام، تشکیل حکومت است.

پس در زمان حیات پیامبر اسلام(ص) جامعه اسلامی در تمام ابعاد خود از حضور وحی و دین بهره مند بوده است. دین مختص به زمان پیامبر اسلام(ص) نیست. پس اولین شرط خاتمیت، تداوم حضور وحی در زمان های پس از پیامبر است. این شرط از طریق حضور امام تامین گردیده است.

امامت با خلافت بلافصل امام علی(ع) آغاز شده است و تا زمان حضور امام زمان (عج) ادامه دارد. غیبت امام زمان (عج) دلالت بر نقصان دین نمی باشد؛ زیرا غیبت ایشان دارای عللی است، همچنین امام زمان (عج) دارای فوایدی هستند. آنچه دلالت بر جامعیت و خاتمیت دین اسلام دارد استمرار امتداد و بعثت فقیه در عصر غیبت است.

کلید واژه ها: نبوت، خاتمیت، امام، وحی، لوازم وحی، شئون نبی، امکان فهم وحی، مرجعیت دینی، مرجعیت سیاسی و...